

## در

# عمارت خورشید کلات نادر

رجبعلی لباف خانیکی

### پیش گفتار

در استان پهناور و کهنسال خراسان آثار و ابنیه تاریخی فراوانی وجود دارد که فاقد شناسنامه و پیشینه مشخص و روشن است، دلیل این امر را باید در سه موضوع عمده جستجو کرد:

اول این که خراسان با همه غنای فرهنگی و تاریخ پر شکوهی که حداقل در متون تاریخی دارد چنان که باید تا سالهای اخیر مورد مطالعه و پژوهشهای باستانشناسی قرار نگرفته است.

دوم این که بسیاری از نویسندگانی که آثار و ابنیه خراسان را معرفی و تاریخ گذاری کرده اند ظاهراً آگاهی کافی از تاریخ و فرهنگ خراسان نداشته و احتمالاً بدون این که آن آثار را دیده باشند و تنها بر اساس نوشته های غیر کارشناسانه و عامیانه دیگران اقدام به معرفی آنها نموده اند. از جمله در برخی از مقالات و کتابهای منتشر شده، دیده می شود که مثلاً مسجد جامع گناباد با تاریخ ۶۰۹ هـ ق و مسجد زوزن با تاریخ ۶۱۵ هـ ق را از آثار دوران سلجوقی معرفی کرده اند تا همچنین رباط ماهی از آثار دوران سلجوقی را با رباط چاهه از آثار دوران غزنوی و با فاصله زیاد از همدیگری می دانند و بنای تیموری حمزه رضا در نزدیکی شیروان را به قرن چهارم هجری نسبت

می دهند و بسیاری از رباطهای دوران قاجار را به دوران صفویه منسوب می کنند و تاق دوبرابر در راه ابریشم را رباط دوبرابر معرفی می کنند و ...

سوم این که در کنار کارهای پر حجم و قابل تقدیر مرمت و حفاظت، متأسفانه به جنبه های پژوهشی و شناخت علمی مجموعه ها چنانکه باید عنایتی نشده است و چه بسا در پی گردیها و خاکبرداریهایی که معمولاً توسط کارگران ساده انجام می گرفته، شناسنامه های آثار از میان رفته باشد، از جمله می توان به بنای پر شکوه هارونیه اشاره کرد که بدون شک دارای شناسنامه بوده و در ضمن تخلیه خاکهای درون آن - جابجا و مفقود و منهدم شده و اینک بی هویت مانده است.

از دو سه سال اخیر که به موازات کارهای مرمت، پژوهش نیز انجام می گیرد خوشبختانه توانسته ایم هویت آثار ارزشمندی چون مسجد جامع زوزن، مسجد جامع گناباد، مدرسه نجومیه گناباد، مسجد جامع رشتخوار، گنبد سبز، عرصه مسکونی طابران قدیم، مصلاهی طرق و عمارت خورشید کلات نادر را تا حدود زیادی مشخص نماییم.

گزارشی که در پی می آید برداشتهای حاصل از حدود ده روز گمانه زنی در کلات نادر است. امیدواریم با هماهنگی معاونتهای پژوهشی و حفظ و احیای ترتیبی اتخاذ شود که هر

حسن صابر مهندس ناظر کارگاه کلات که اعتبارات و امکانات لازم را در اختیار گذاشتند کمال تشکر را ابراز دارم.

### مطالعه و گمانه زنی عمارت خورشید کلات نادر

دژ کلات در فاصله ۱۴۵ کیلومتری شمال شرق مشهد و در میان کوه‌های هزار مسجد قرار گرفته و بنا به موقعیت خاص طبیعی آن از جمله پدیده‌های استثنائی است. تیغه‌های کوه که بر گرد آن کشیده شده‌اند دره کلات را نفوذ ناپذیر کرده‌اند و همین امر موجب شده است که از قدیم‌ترین ایام دژ کلات مأمنی برای احکام و پادشاهان و گاه تبعیدگاهی برای سرکشان و یاغیان باشد. دژ کلات عارضه‌ای بیضی شکل است که قطر بزرگ آن حدود ۳۰ و قطر کوچک آن تقریباً ۱۰ کیلومتر است. دو دروازه اصلی و سه مدخل فرعی امکان ورود به دژ را فراهم آورده است. دروازه‌های اصلی عبارتند از: «دروازه ارغون شاه» در غرب و «دروازه نفته» در شرق که هر دو تأسیسات دیده‌بانی و دفاعی دارد.

اقدام مرمتی به دنبال اقدامات پژوهشی و مطالعاتی صورت گیرد و از نظرات و پیشنهادات کارشناس باستانشناس نیز در مرمت و بازپیرایی ابنیه و مجموعه‌های تاریخی استفاده شود. در گمانه زنی و تهیه گزارش همکاران و سروران عزیز و محترمی با هیئت همکاری داشته‌اند که ضمن برشمردن آنها از بذل همتشان کمال تشکر را دارم.

۱- آقای محمد رکنی؛ کارشناس باستان شناس

۲- آقای ابوالفضل زاهدی؛ کاردان باستان شناس

۳- آقای حسین حیدری؛ نقشه بردار

۴- آقای حمید هاشمی‌پور؛ عکاس

۵- آقای علی محمد خواجوی؛ راننده

۶- خانمها عذرا عسگری و صدیقه جهانی؛ ماشین‌نویس

در پایان جا دارد از معاونت پژوهشی و مدیریت پژوهشهای باستان شناسی که اجازه گمانه زنی را به ما عنایت کردند و مدیریت و معاونت هماهنگی پشتیبانی میراث فرهنگی خراسان که امکانات لازم را فراهم کردند و از آقای مهندس

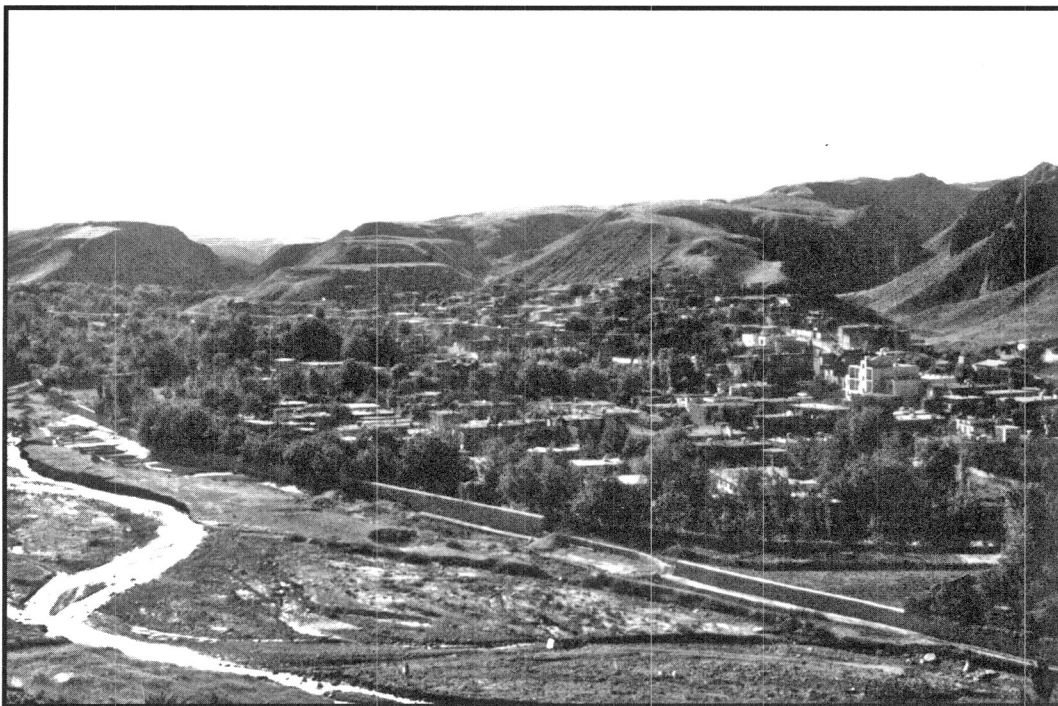


موقعیت عمارت خورشید در میانه دژ کلات

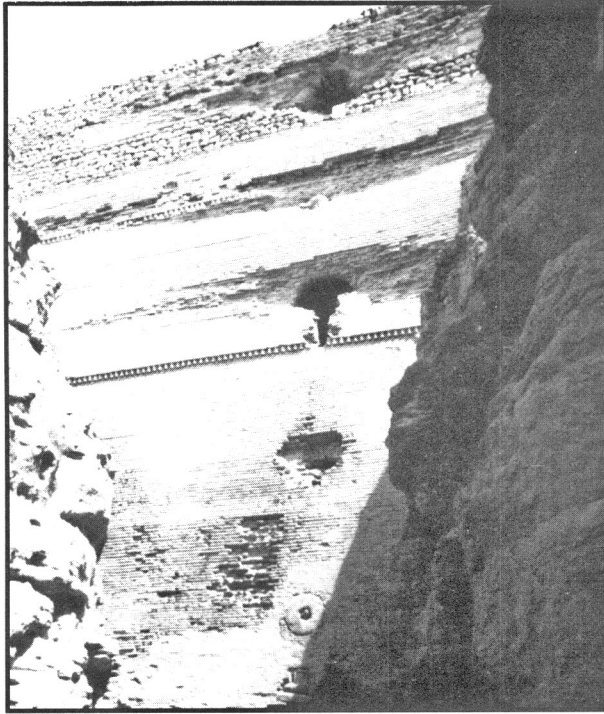
هستند که بر اساس متون تاریخی در آنجا حضور طولانی داشته‌اند.

مسجد کبود گنبد، سد یا بند نادری، تأسیسات دفاعی دروازه نفته، کتیبه و تأسیسات دفاعی دروازه ارغون شاه، بقایای ارگ فرود، آب انبارها و بقایای معماری بسیار مهم روستای خشت و همچنین دیوار دفاعی رأس کوههای اطراف دژ از جمله آثار و بناهای کلات هستند که هنوز چنانکه باید شناسایی علمی نشده‌اند و به احتمال زیاد بسیاری از آنها ریشه در تاریخ کهن آن منطقه دارند. معروفترین اثر تاریخی کلات آرامگاهی است که در دهه‌های اخیر به غلط «کاخ خورشید» نامیده شده است و پیش از این در انتساب بنیاد آن به نادر شاه افشار جای شبهه نبود، این بنا در حال حاضر دارای یک طبقه زیرین متشکل از یک فضای هشت ضلعی مرکزی و هشت فضای مربع و مستطیل مربوط به هم بر گرد فضای مرکزی است.

کلات به لحاظ موقعیت ممتاز و استثنائی خود همواره صحنه وقایع تاریخی بوده است. برای نخستین بار به عنوان صحنه نبرد ایرانیان و تورانیان در شاهنامه فردوسی مطرح شده و آخرین دوران شکوه و عظمت خود را در زمان نادر شاه افشار داشته است، لذا طبیعی است که از این دوران طولانی آثار و نشانه‌های فراوانی در کلات باشد اما کمبود زمینهای مسکونی و کشاورزی و نوسازیهای مداوم، آن آثار را یا از میان برده و یا دگرگون کرده است، و برخی از آثار باقی‌مانده از گذشته‌های دور هم سهواً به نادر شاه افشار نسبت داده شده است و چنین توهمی باعث شده تا در حال حاضر باور عمومی کلات را خاستگاه و جایگاه آثار و ابنیه «نادر شاهی» بشناسد! حال این که بسیاری از آنها یادگارهای دوران تاریخی یا عصر سیمجوریان (قرن ۴ هجری)، سلجوقیان (قرن ۵ و ۶ هجری)، ایلخانیان (قرن ۷ و ۸ هجری)، جانی قربانیا (قرن ۸ هجری)، تیموریان (قرن ۹ و ۱۰ هجری) و جلایرها (قرن ۱۳ هجری)

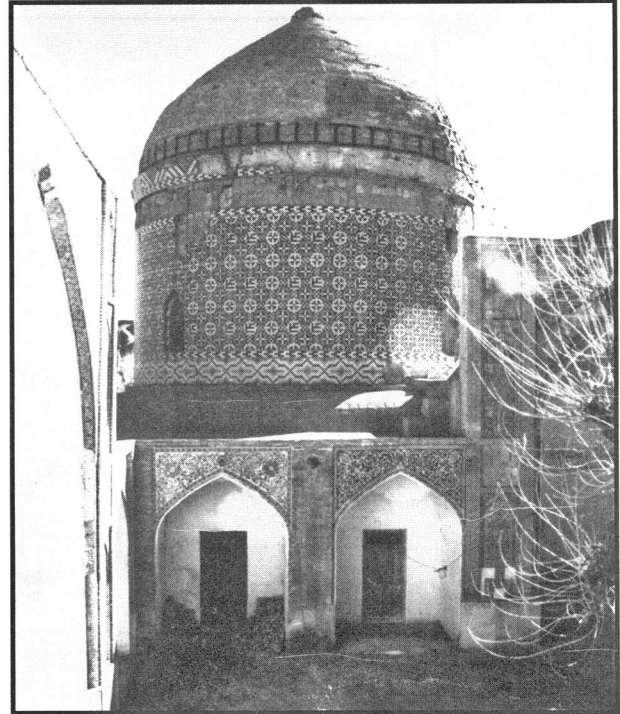


دشت میانه دژ کلات پوشیده از واحدهای مسکونی و زمینهای زراعی



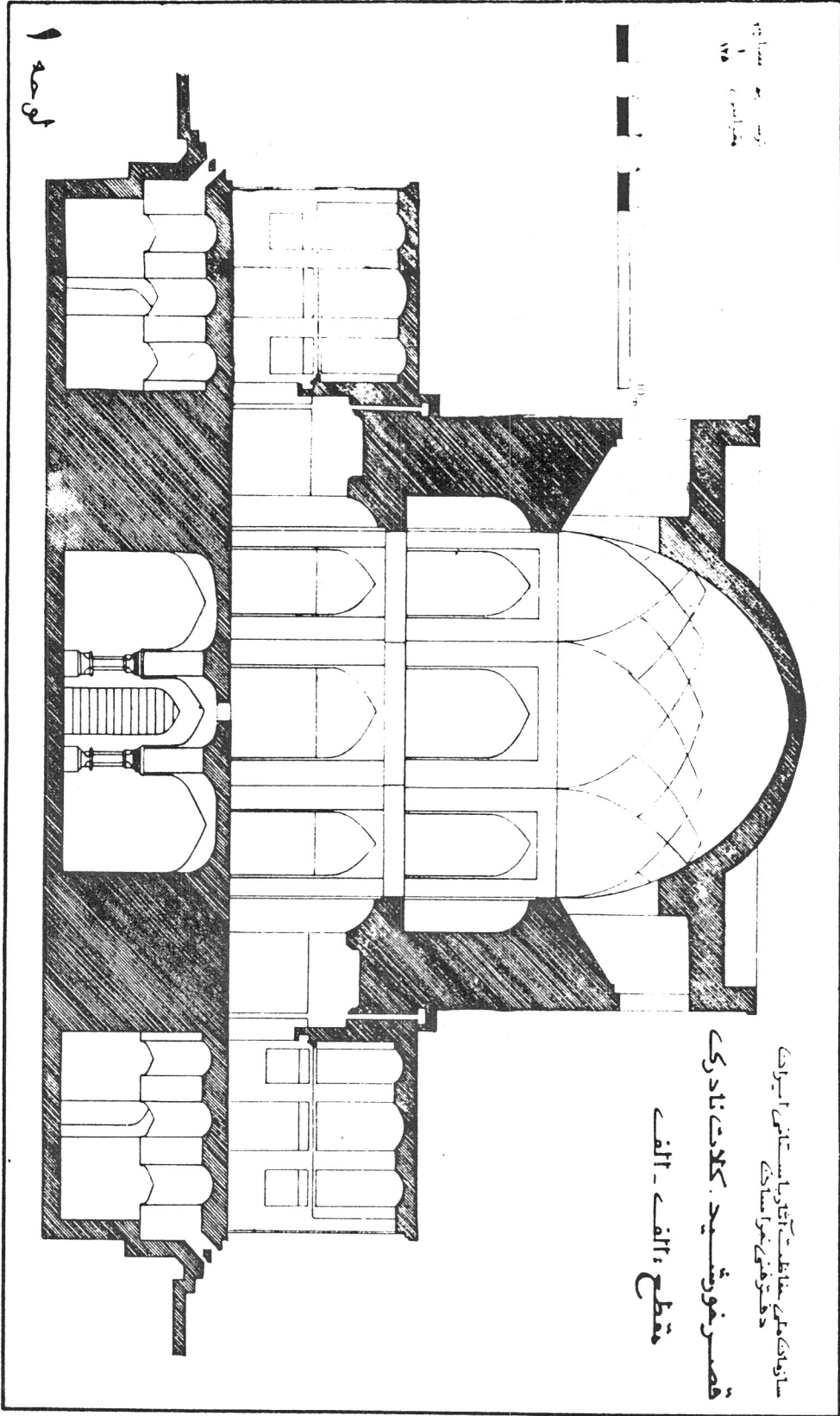
سد نادری

و غیر اساسی مشاهده می‌شود و این گونه می‌نمود که در کف حفره‌ای گور مانند ایجاد و روی آن بسته شده است. برای روشن شدن وضعیت کف، خاکبرداری از گمانه‌ای در ابعاد  $50 \times 70$  سانتی‌متر در مرکز سردابه آغاز شد و پس از برداشت آجرهای نامنظم در لایه‌ای مضطرب شامل نخاله ساختمان فشرده شده تا عمق ۷۰ سانتی‌متر ادامه یافت، در این عمق مجدداً سطحی پوشیده از آجر نمایان شد و با گسترش قسمتی از گمانه مسلم شد که این محل قبلاً توسط حفران قاچاق کنده شده و بعدها ناشیانه کف سازی شده است. با برداشتن آجرها خاکبرداری در گمانه ادامه یافت و در عمق ۱۰۵ سانتی‌متری به شفته گل آهک بسیار محکم و فشرده رسید که تا عمق  $2/60$  متر ادامه یافت. نتیجه حاصل از این گمانه حاکی از این بود که کف سردابه بسیار عمیق بوده و به طور اساسی جهت زیرسازی چهار ستون برافراشته شده بر روی کف پر شده است. برداشت خاک کناره‌های دیوار و دقت در کیفیت



مسجد کبود گنبد

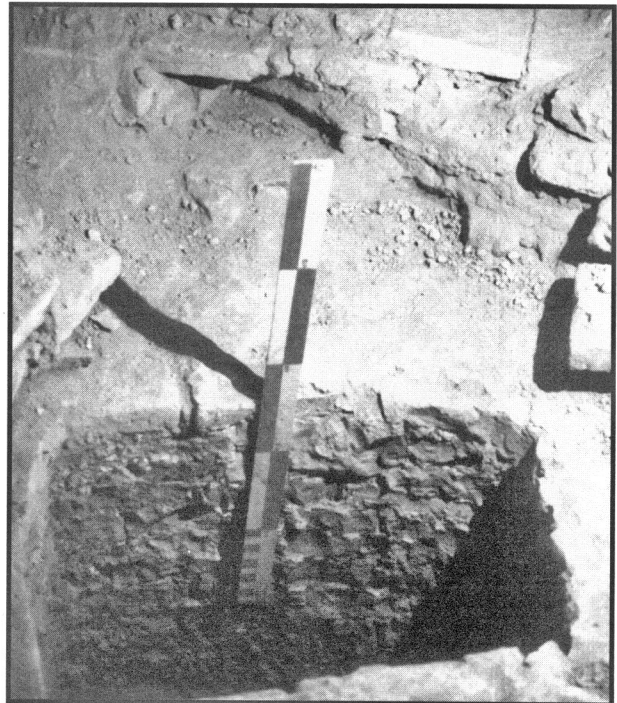
(لوحة ۱) این برش بر اساس دریافتهای پیشین ترسیم شده است. مقبره اصلی و فوقانی شامل فضای مرکزی هشت ضلعی یا گنبد خانه و هشت ایوان و ایوانچه مربوط به هم بر فراز همان دیوارها و جرزهای طبقه زیرین گذاشته شده است. هیئت فعلی بنا با توجه به فضاهای معماری و نقاشیهای دیوار داخلی و کتیبه قرآنی (صرف نظر از نقاشیهایی که در دوران قاجار بر اسپر و تاقچه‌های ایوان شرقی کشیده شده) صرفاً مقبره‌ای را مجسم می‌سازد که به لحاظ هیئت و آرایش درونی سخت تحت تأثیر فضای داخلی آرامگاه تیمور در سمرقند است. این بنا همانند اکثر مقابر در زیر کف دارای سردابی هشت ضلعی است. پیش از این اظهار نظر سریع در رابطه با فضای چیده شده بر گرد سردابه مشکل بود و نمایان بودن دو تیزه تاق در کف سردابه و مجاور دیوارها این توهم را به ذهن می‌آورد که گویی در زیر کف فضاهای معماری مدفون است و به فضاهای اطراف ارتباط دارد. در مرکز کف سردابه نیز کف سازی مجدد



سازمان ملی حفاظت آثار و بناهای تاریخی ایران  
 دفتر تحقیق و مرمت بناهای تاریخی  
 قصر غورشید، کلات نادری  
 مقطع، ۱:۲۰۰

لوحة ۱

ایجاد پاکارتویزه از سوی دیگر معلوم داشت که دیوار اصلی و کهن بنا از بالا تا ارتفاع فعلی ۲/۷۰ متر برداشته شده و با ایجاد تویزه‌ها و برافراشتن چهار ستون در کف با پوششی ۹ چشمه تاق ایجاد کرده‌اند، ایجاد چنین پوششی این معنی را می‌داد که خواسته‌اند پوشش اولیه و بلند این فضا را خرد کرده و کوتاه کنند تا بر روی آن بتوانند کف مسطح و بنایی جدید بنیان گذارند. در این مرحله برای ما مسلم شده بود که فضای هشت ضلعی در گذشته بنایی بوده است با سقف بلند ولی این بنا با ورودی فعلی آن همخوانی ندارد اما با پلکانی که به تأسیسات فوقانی کشیده شده تطبیق دارد و مثل ورودی آب انبار با سقف مایل به بالا منتهی می‌شود. برای یافتن ورودی اصلی روی دیوار در جهات اصلی بنا گمانه‌هایی به عرض ۱۵ سانتی‌متر در روی اندود گچ حفر و گچهای روی آجرها برداشته شد، در سمت غربی یک شکستگی در دیوار مشاهده شد که با برداشتن اندود گچ در این قسمت یک درگاهی در ابعاد ۲×۱/۱۴ متر مشخص شد و با برداشتن درگاهی معلوم شد که در دوران نه چندان قدیم دیوار شکافته شده و راهی از درون فضای هشت ضلعی به فضاهای اطراف آن باز شده است اما این راه چندان مورد استفاده قرار نگرفته و مجدداً با مصالح نازل‌تر بسته شده است. ما در مطالعاتمان از این اقدام بهره‌های فراوان بردیم که در جای خود خواهد آمد. با نادیده گرفتن این راهرو برای ما مسلم شد که ورودی اصلی فضای هشت ضلعی باید از طریق ورودی فعلی باشد و جهت روشن شدن این نکته که چرا سقف فعلی راهرو بر فضاهای بالا تطبیق داده شده، در نقطه حد فاصل پوشش راهرو و دیوار نیز گمانه‌ای در ابعاد ۳۰×۴۰ سانتی‌متر انتخاب و اندود گچ برداشته شد و مشخص شد که در اینجا نیز با استفاده از راهرو قبلی و کندن دیوار آن، پوشش فعلی را در دیوار جا داده‌اند با گمانه زنی‌های انجام شده فضای هشت ضلعی زیرین را تقریباً شناخته بودیم ولی ماهیت فضاهای اطراف هنوز مبهم بود و نمی‌دانستیم که آیا فضاهای اطراف همزمان با آن ساخته شده‌اند یا نه. نخست انتهای تاق

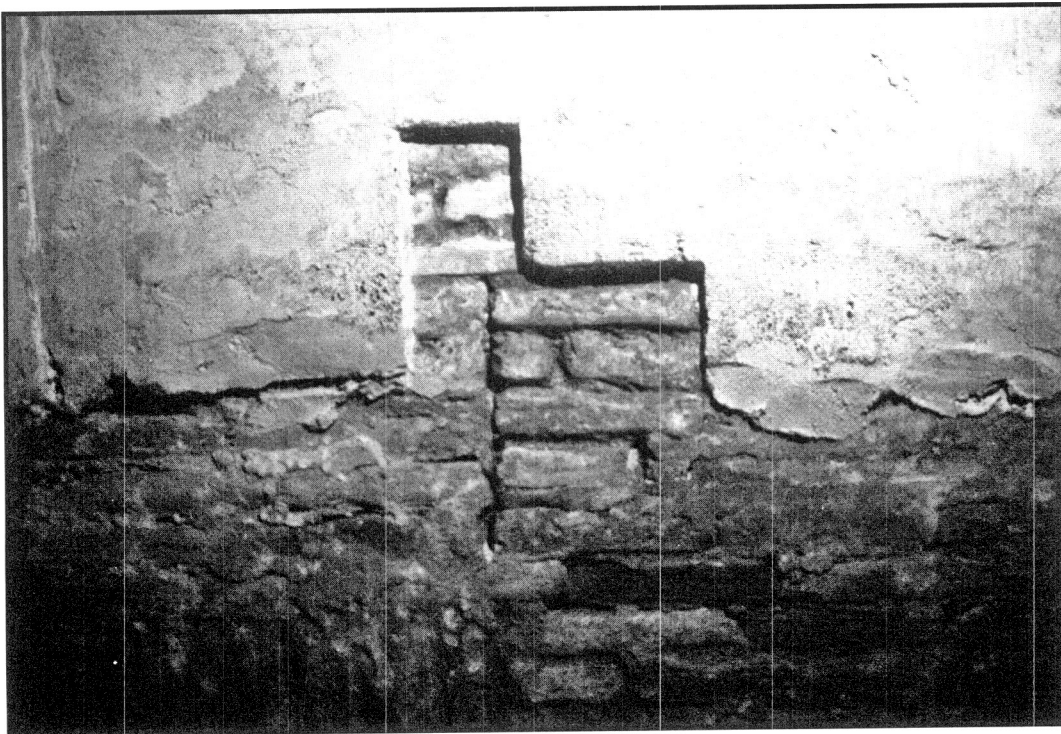


انباشت آجر و شفته در دیواره گمانه کف سردابه

شالوده دیوارها نیز تیزه تاقهایی را در مجاور اضلاع دیگر ظاهر کرد. در کنار یکی از تاقها گمانه کوچکی باز و تا عمق ۸۰ سانتی‌متر خاکبرداری شد، این تاق آجری ۷۵ سانتی‌متر ضخامت داشت و کاملاً مشخص بود که آجرهای جلو تاق شکسته شده‌اند با مشاهده این پدیده این احتمال امکان یافت که فضای زیرزمینی دیگری در زیر فضای هشت ضلعی وجود داشته که با برداشتن سقف آن از شفته و آجر انباشته شده است و آن می‌توانست در حکم سردابه‌ای برای مقبره‌ای بسیار قدیمی‌تر باشد. ستونهای فعلی که سقف سردابه را بر پا نگاه داشته‌اند بر روی کفی استوار شده‌اند که پس از انباشتن سردابه حاصل شده است، بنابراین سقف سردابه فعلی نیز باید جدید باشد و در اثبات این فرضیه در ارتفاع ۲/۶۰ متر و ناحیه پاکارتویزه که در دیوار و برش آجرها تعبیه شده گمانه‌ای ۵۰×۵۰ سانتی‌متری بر روی اندود گچ ایجاد و اندود برداشته شد. تغییر ملات از یک طرف و برش آجرهای افقی دیوار جهت



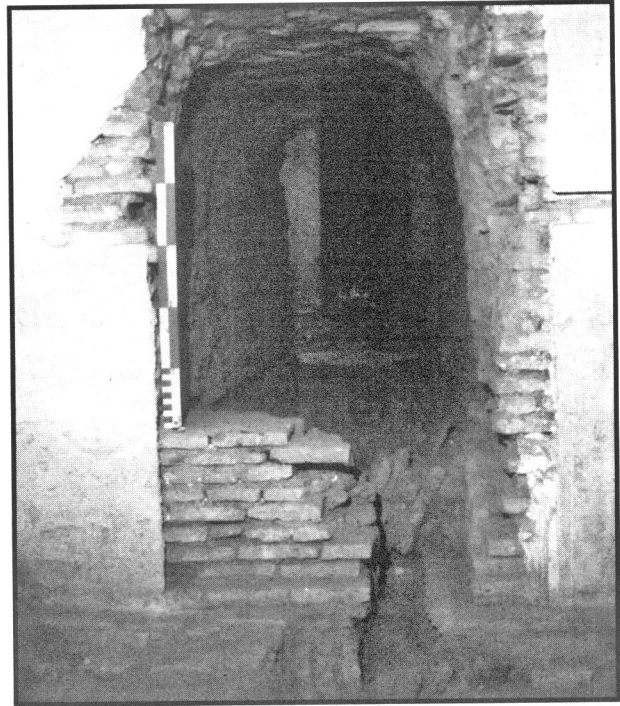
نمای تیزه یک تاق در مجاورت دیوار



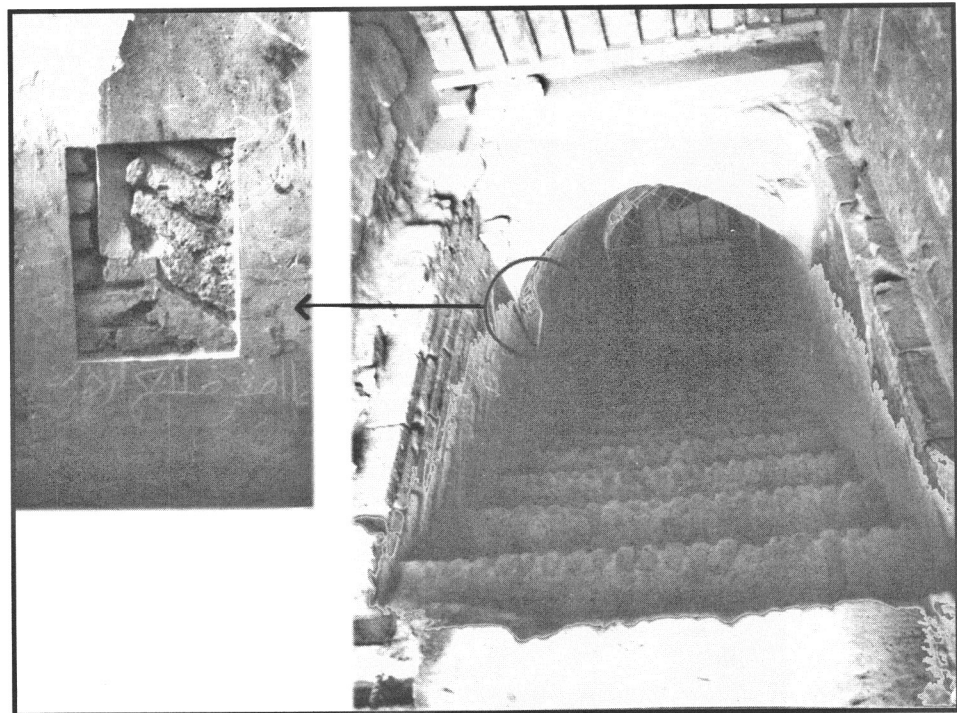
نمایش تعبیه پاکارتویزه در جوف دیوار

نمایی را بر کناره اتاق غربی آن مجموعه برچیدیم و مشاهده کردیم که آن فضاها نیز با برداشتن سقف و دیوارها کوتاه و تجدید پوشش شده‌اند. در گوشه اسپر آن اتاق و پشت دیوار فضای هشت ضلعی مرکزی نیز گمانه‌ای در ابعاد ۸۰×۵۰ سانتی‌متر بر فراز دیوار حفر شد و با برداشتن آجرها دو نکته روشن گردید: اول این که اصلاً فضاهای اطراف به فضای هشت ضلعی مرکزی ارتباطی ندارند و بعداً بر گرد آن ساخته شده‌اند و دوم این که دیوار اسپر اتاق خود بعدها ساخته شده و صرفاً جنبه باربری دیوار فضاهای فوقانی داشته که باید بر روی آن ایجاد می‌شد.

برای اطمینان صحت این فرضیه جستجو کردن راه ورودی سردابه اولیه در انتهای اتاق جنوبی و مجاور دیوار گمانه‌ای در ابعاد ۱×۱ متر حفر شد، این گمانه تا عمق ۸۰ سانتی‌متر در لایه‌ای از شفته که جهت پی‌ریزی دیوار باربر الحاقی ساخته شده بود، پیشرفت و از آن پس در زیر پی آن دیوار و مجاور دیوار فضای هشت ضلعی تا عمق ۲/۵۷ متری جلو آمد تا به زیر



نمایش درگاهی حفر شده در دیوار سردابه پس از تخلیه

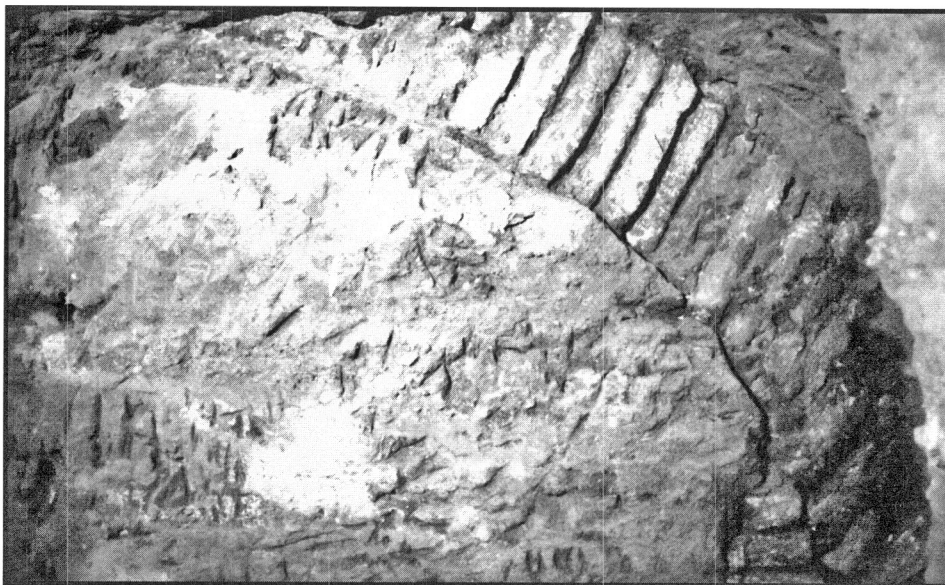


ورودی فعلی سردابه و نمایش تعبیه پوشش جدید در جوف دیوار اولیه آرامگاه

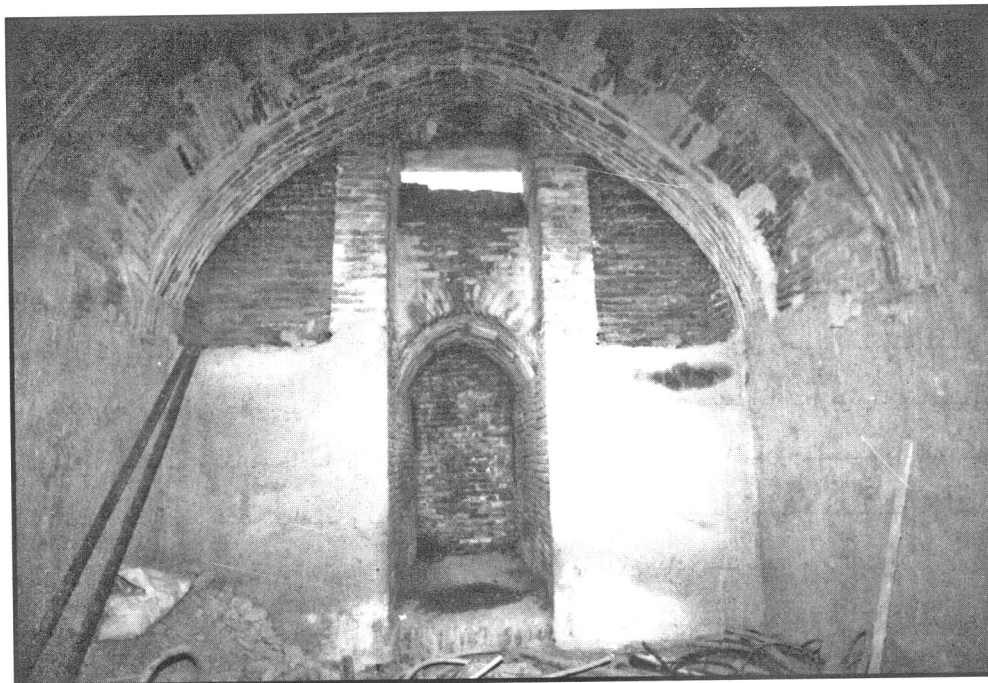
می‌توانست این احتمال را به دنبال داشته باشد که بنای اولیه مقبره، بدنه‌ای منشور و هشت ضلعی همانند برج مقبره‌ها داشته که جهت ایستایی بیشتر، قطر آن در قاعده بیش از رأس است.

فضاهای اطراف هشت ضلعی مرکزی، دو راهرو اصلی در دو سمت شرقی و غربی داشته که احتمالاً پس از تغییر کاربری فضای هشت ضلعی و ایجاد تأسیسات جدید بر فراز آن بسته شده و به تعبیری دیگر تمامی مجموعه معماری پیرامون بنای مرکزی مدفون شده است تا احتمالاً چنین وانمود شود که مقبره فعلی ابتدا به ساکن ساخته شده است اما بعدها و احتمالاً در دوران حاکمیت ترکان جلایر بر کلات، مقارن دوران فتحعلیشاه قاجار با باز شدن درگاهی دیوار به منظور پی بردن به فضاها و ورودیهای اصلی آن فضای هشت ضلعی باز و درگاهی بسته شده است. با باز شدن ورودیها از فضاهای زیرزمین استفاده شده است از جمله از فضای شرقی به عنوان حمام استفاده می‌شد و در کف فضای شمال شرقی یک حفره مستطیل با ابعاد  $2/90 \times 3/25$  و عمق ۷۸ سانتی‌متر همراه با دیوار آجری و گچ اندود ساخته شده بود که مورد استفاده آن بر ما معلوم نشد.

دیوار اولیه رسید. در این گمانه علاوه بر اثبات این فرضیه که دیوار باربر را بعداً به انتهای اتاق الحاق کرده‌اند یک نکته فنی جالب مکشوف شد و آن این که در جوف هر یک از دیوارهای هشت گانه اضلاع سردابه در ارتفاع ۷۷ سانتی‌متر یک تاق آجری با دهانه  $2/65$  متر و بلندی ۱۰۵ سانتی‌متر تعبیه شد تا فشار دیوارهای بلند و سنگینی بالا را بر جرزها و پایه‌های طرفین تقسیم کند. این پدیده را بر دیوار انتهایی ایوان مسجد جامع زوزن نیز مشاهده می‌کنیم. اما آنچه از برش درگاهی کنده شده بر دیوار غربی فضای هشت ضلعی به دست آمد یکی امکان تعیین ضخامت دیوار مقبره ( $3/95$  متر) با  $45$  سانتی‌متر عقب‌نشینی در طرفین بر روی دیوار سردابه به ضخامت  $4/85$  متر بود و دیگری بررسی شکاف طولی یا حد فاصل دیوار مقبره اولیه (فضای هشت ضلعی فعلی) و دیوار فضاهای اطراف که مورد اخیر بسیار با اهمیت و تعیین کننده بود. وجود شکاف خود دلیل واضحی بر دو دوره بودن و منفک بودن فضای مرکزی و الحاقات اطراف است و تفاوت دهانه شکاف در پایین (کمتر از ۳ سانتی‌متر) و در بالا (حدود ۱۰ سانتی‌متر) که به دلیل مایل بودن دیوار اولیه به داخل ایجاد شده بود،



تاق تعبیه شده در جوف جرز سردابه



ورودی مسدود شده سمت غربی فضاهای هشتگانه اطراف مقبره



نمایش حفره‌ای که در آستانه ورودی سردابه به زیرزمین باز شده است.

با تغییر کاربری مقبره در دوران قاجاریه بعید نیست که از فضاهای زیرزمین اطراف سردابه به عنوان زندان استفاده شده باشد زیرا علاوه بر گواهی معمربین محلی به وجود زندان در آن فضاها در ابتدای ورودی سردابه از کف فعلی حفره‌ای زیرزمین باز می‌شود که می‌تواند محل عبور شخصی به زیرزمین یا ارسال مواد غذایی به آن فضاها تاریک و قابل کنترل باشد. چنین پدیده‌ای را در بخارا و در زندان امیر عالم خان منعیت، مجاور ارگ بخارا نیز مشاهده کردیم که اتفاقاً از نظر زمانی عصر حکمروایی ترکان جلایر بر کلات نزدیک است و در جمع‌بندی نهایی با استفاده از نتایج حاصل از گمانه زنیها و مشاهدات عینی سیر تحول مقبره کلات معروف به «کاخ خورشید» را می‌توان این گونه بیان کرد.

۱- احتمالاً در قرن هفتم هجری بر روی خاک بکر فضایی به عمق ۲/۵ متر حفر شده و دیوارهای آجری بسیار مستحکم به ضخامت ۴/۸۵ متر در کنار برش دیواره‌های حفره ایجاد شده است و بر روی آن پوششی آجری و ضربی قرار گرفته است.

۲- بر روی دیوارهای سردابه، مقبره‌ای با فضای هشت ضلعی و دیوارهایی با ضخامت ۳/۹۵ سانتی‌متر که کمی به

سمت داخلی مایل بوده است ساخته شده که با توجه به تمایل دیوارها با درون و هشت ضلعی بودن آن احتمالاً از نوع «برج مقبره‌ها» بوده است. (لوحة ۲)

۳- احتمالاً در قرن هشتم یا نهم هجری بر گرد مقبره هشت اتاق مربوط به هم ساخته شده که دو ورودی از سمت شرق و غرب داشته و ورودی مقبره نیز از طریق آن فضاها به بیرون ارتباط داشته است. این فضاها که اکنون حکم زیرزمین دارند، در آن زمان بر روی زمین ساخته شده و دارای ورودی و نورگیر بوده و جهت اقامت و بیتوته مناسب بوده است. (لوحة ۳)

۴- در دوران افشاریه تصمیم بر این گرفته می‌شود که آرامگاهی عظیم در کلات ساخته شود و معماران با مشاهده استحکام بنای مقبره موجود ترجیح می‌دهند که با دگرگون کردن آن، مقبره جدید را بر فراز آن بسازند (بر اساس کتاب نادر نامه و به استناد اسناد مالکیت آن مقبره برای نادر شاه و به دستور او ساخته شده است). دیوار مقبره پیشین برچیده و سردابه با شفته و آجر پر می‌شود. (۴ و ۵)

۵- مقبره جدید با کم کردن ضخامت دیوارها و در نتیجه وسعت فضای درونی بر روی سطحی هموار که از کم کردن



نمایش درگاهی و نورگیرهای مسدود شده فضاهای اطراف مقبره که ابتدا به فضای باز گشوده می‌شده و بعد در زیر پلکان و خاکهای دستی مدفون شده و اخیراً جهت احداث ورودی زیرزمین خاکبرداری شده است.

ارتفاع بناهای زیرین حاصل گردیده ساخته شده است. (لوحه ۶ و ۷)

۶- تصمیم گرفته می‌شود که ایوانها و فضاهایی به تقلید از مقبره پیشین بر گرد مقبره جدید نیز ساخته شود برای استقرار این فضاها دیوار فضاهای زیرین را با دیوارهای الحاقی تقویت کرده‌اند. (لوحه ۸)

۷- فضاهای اطراف مقبره که اکنون زیرزمینی محسوب می‌شوند، در خاک مدفون شد و در نتیجه سکویی در سمت مغرب باغ آرامگاه ایجاد شد و بر روی خاکهایی که فضاها را مدفون کرده‌اند راه پله گذاشته شد و در مجاورت پله‌ها آب‌نما و جوی آب احداث گردید. (لوحه ۹)

۸- در اواخر دوران نادرشاه فضای داخلی آرامگاه و رویه بنا با سنگهایی که از معدنی واقع در کلات آورده شده بود، آراسته شد. سنگ‌کاری و حکاکی سنگها آغاز شد اما با کشته شدن نادر در سال ۱۱۶۱ ه.ق حکاکی سنگها نیز تمام ماند.

۹- در دوران قاجاریه ترکمانان جلایر در کلات نوعی حکومت ایلی تشکیل دادند و به دستور فتحعلی خان با یلنگ

توش خان جلایر با اندود مجدد گچ بر روی اسپر بعضی ایوانها اقدام به نقاشی صورت مرد و زن سر برهنه بر روی نقاشیهای اسلیمی مقبره‌ای پیشین کردند، دیوار سردابه را شکافتند تا به فضاهای اطراف راه یابند و پس از مشاهده ورودیهای اصلی و باز کردن آنها قسمت شکافته شده را بستند.

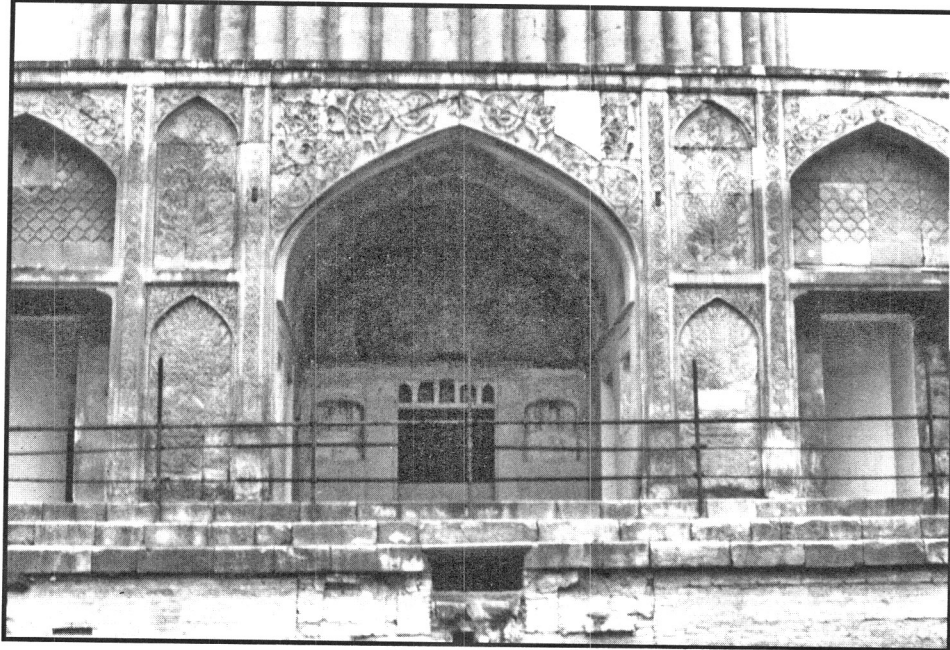
۱۰- در همان دوران در سمت شرقی فضاهای زیرین حمام و تأسیسات دیگری ساخته شد و احتمالاً فضاهای شمالی را به عنوان زندان مورد استفاده قرار دادند.

۱۱- در سالهای اخیر حمام تخریب و جمع شد و زمینهای اطراف مقبره خاکبرداری و آب‌نماها و جویها ظاهر شدند و رویه دیوارهای فضاهای زیرزمین گچ اندود گردید که این امر دریافت و درک تغییرات بنا را مشکل کرده است.

لازم به یادآوری است که اثبات موارد فوق با دستیابی شواهد امکان پذیر است و ادامه گمانه زنی و کاوش در اطراف بنا و به‌ویژه در مجاورت ورودی اولیه و اصلی مقبره پیشین احتمالاً منجر به پیدایش تزئینات یا کتیبه‌هایی در اطراف ورودی خواهد شد.



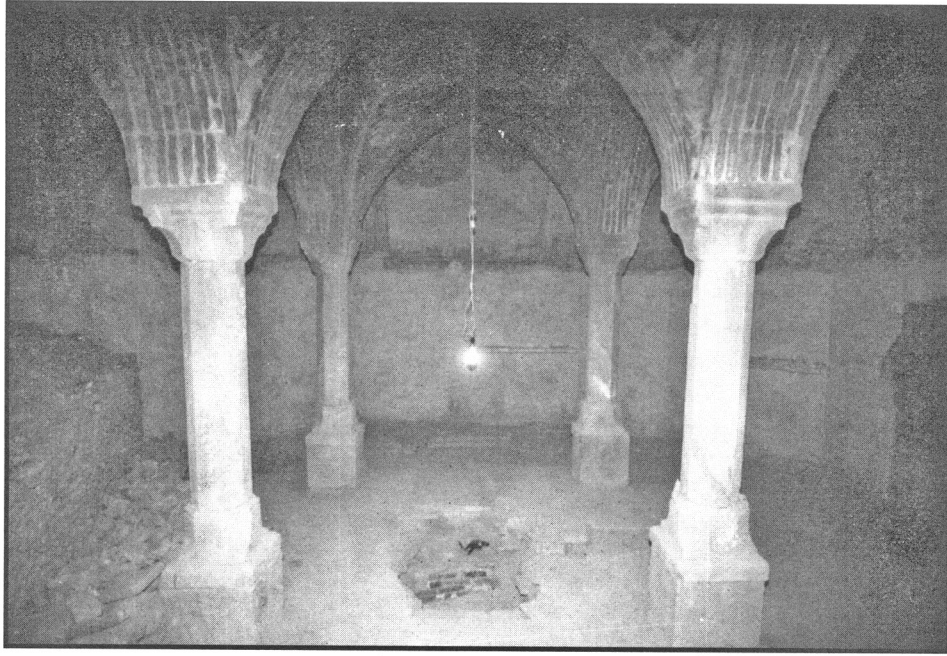
دیوار الحاقی و باربر ایجاد شده در اسپر فضاهای زیرزمین برای تحمل دیوار فضاهای فوقانی.



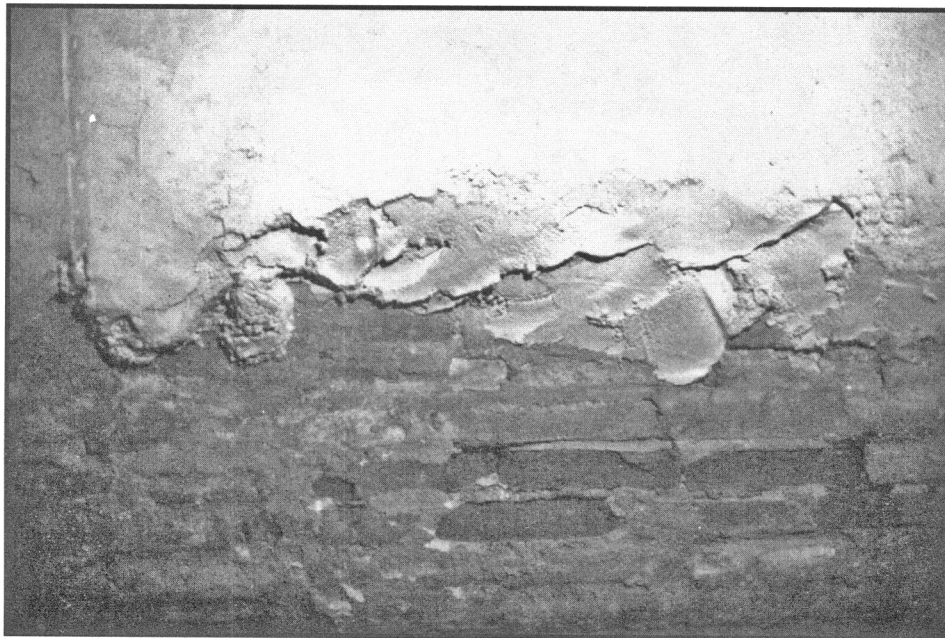
نماکاری سنگ دوران نادر شاه و آرایش مجدد ایوان شرقی.



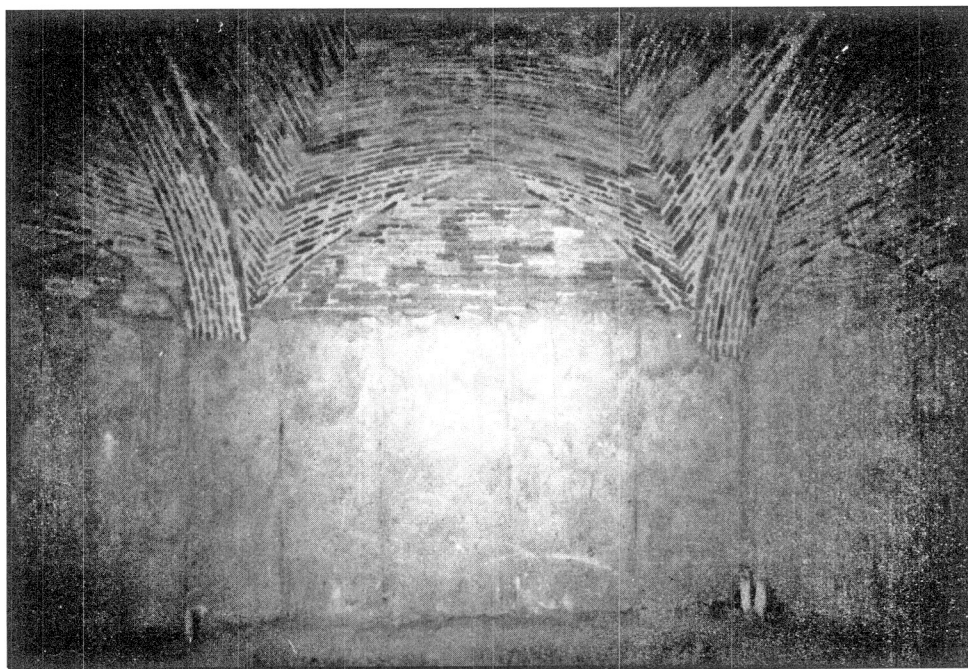
فضای معماری واقع در کف اتاق شمال شرقی زیرزمین که احتمالاً در زمان جلیرها ساخته شده است.



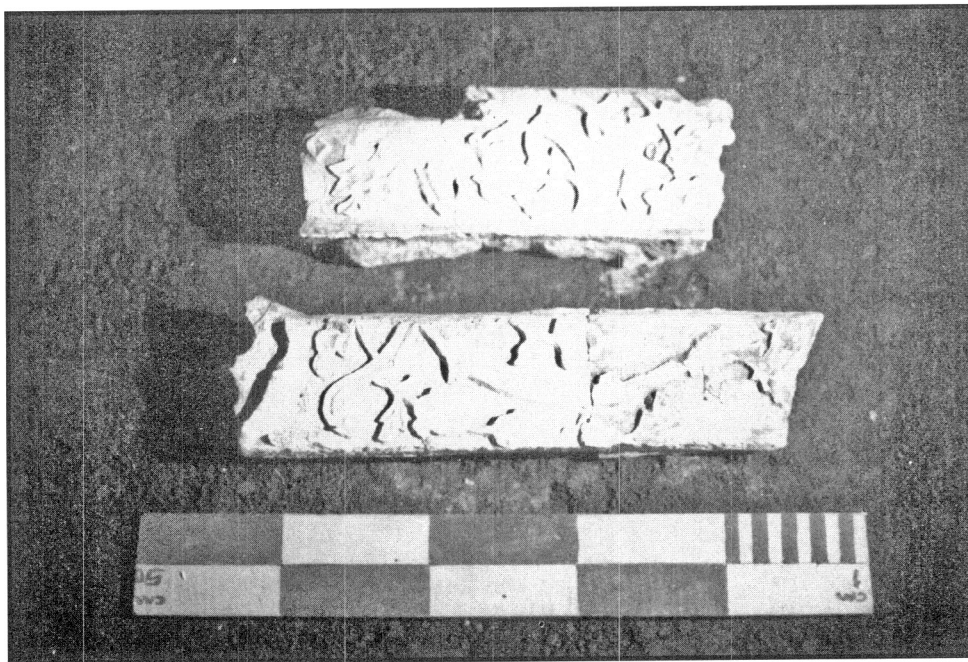
فضای سردابه فعلی که با دگرگونی مقبره پیشین ایجاد شده است.



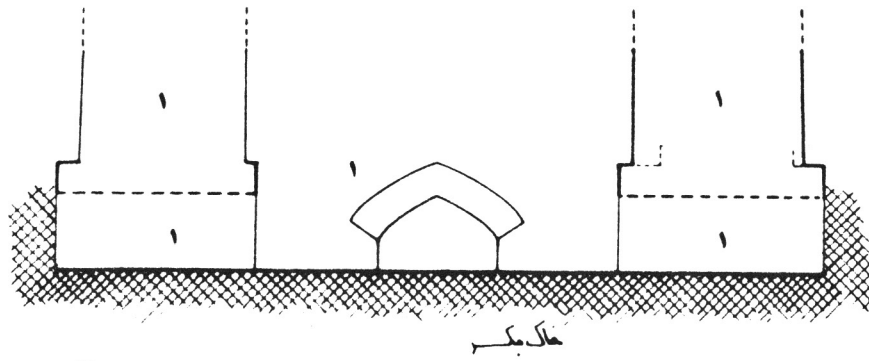
نمایش برش و تجدید بنای دیوار سردابه.



نمایش الحاق دیوار باریک در اسپر هر یک از فضاهای اطراف در زیرزمین فعلی.

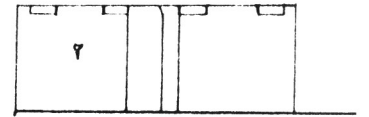


قطعات گچ قالب ریزی شده که احتمالاً الگوی بخشی از نقوش حک شده بر روی سنگهای نما بوده است یافته شده در کف فضای شرقی.



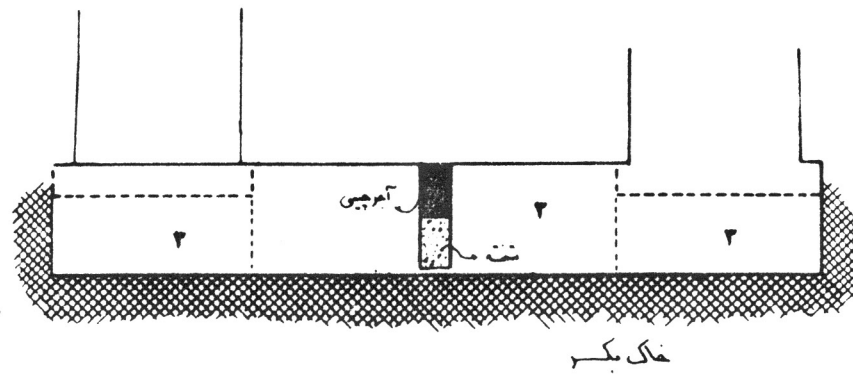
① - تقاضای بناها اولیه

لوحة ۲



② - تقاضای المان (بناها) اولیه

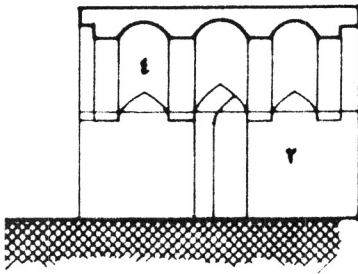
لوحة ۳



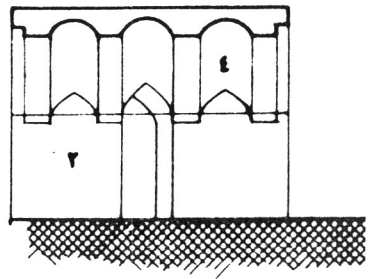
③ - تقاضای سردابها پر شده و تقاضای برش رکاب سرداب

لوحة ۴

متر ۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵



خالد بکر

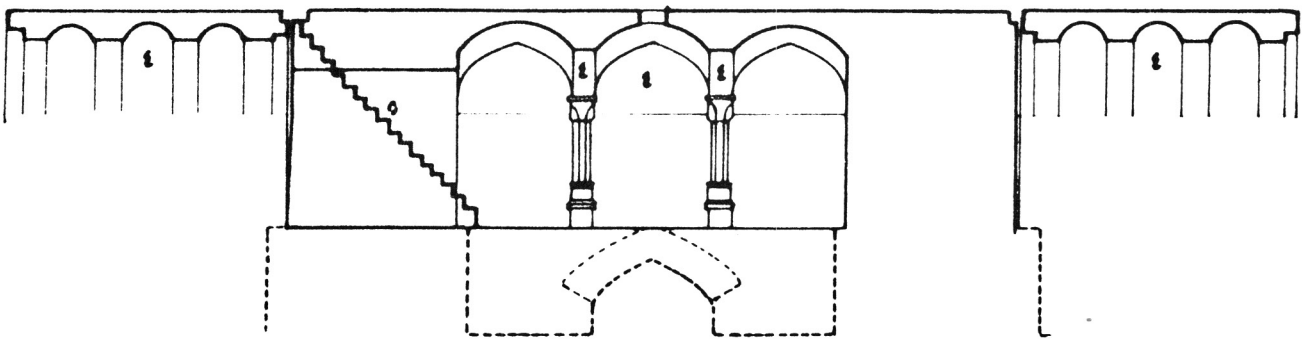


بکر

① - ترمیم مسجد دیوار و  
پوشش ها ابراقه کار مرقد  
جدید  
در مشاهد اطراف مقبره تدین

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵  
متر

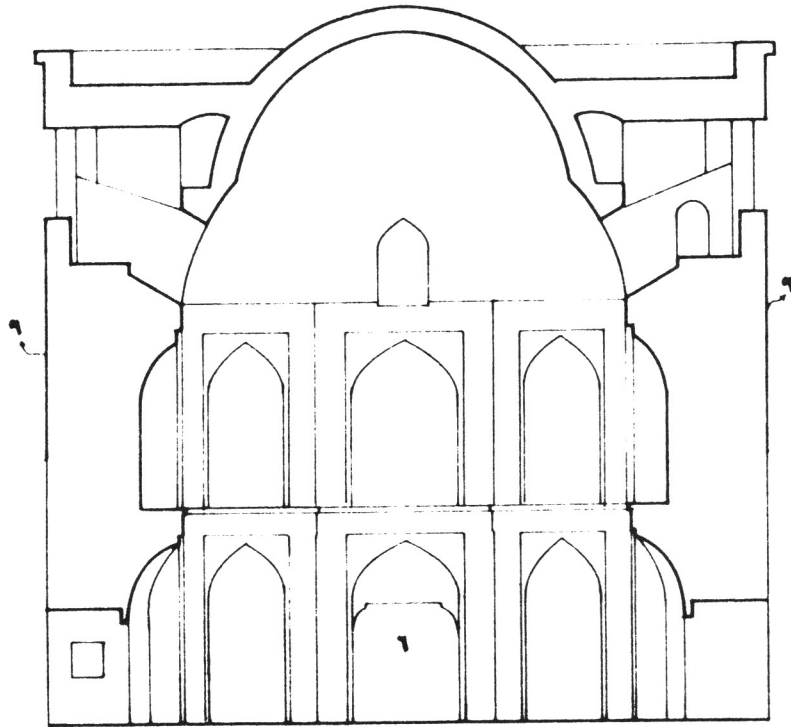
لوحة ۵



۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵  
متر

① - ترمیم مسجد دیوار و  
پوشش ها ابراقه کار مرقد  
جدید  
② - تغییر نحوه ورود به سرداب  
به حدید با ایجاد راه پله

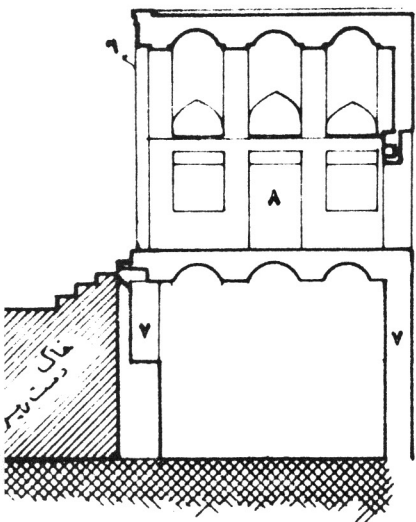
لوحة ۶



متر ۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

لوحة ۷

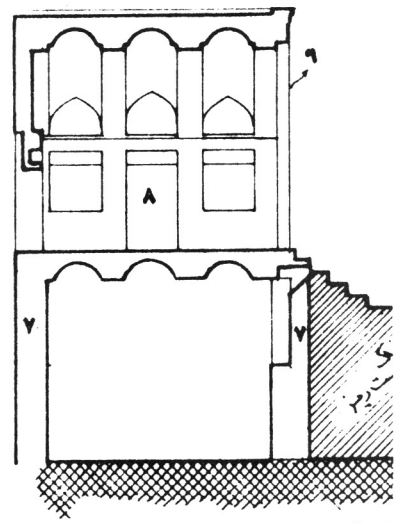
- ⑥ - ایجاد مقبره فعلیه بر روی  
تعمیرات قدیمه جدید
- ⑦ - خاکریز سنگی



خاک کبر

- ⑦ - ایجاد مقبره وارسیه  
الاصاف بجهت تقویت  
دیوارها و طاق
- ⑧ - ایجاد بنساف الطاق  
و تقویت پرده دیوار طاق  
الاصاف
- ⑨ - خاکریز سنگی

لوحة ۸



متر ۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ کبر

- ۱ - بنای: بناها لویه
- ۲ - بناهای اقلی: بناهای اویلی
- ۳ - بناهای سرداب: برجده
- ۴ - بناهای دره: بناهای ایل
- ۵ - بناهای سرداب: برجده
- ۶ - بناهای سرداب: برجده
- ۷ - بناهای سرداب: برجده
- ۸ - بناهای سرداب: برجده
- ۹ - بناهای سرداب: برجده

